

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۳ اگست ۲۰۱۴

## خیانت های تاریخی تکرار می شوند

### تشکیل حکومت موازی در شمال

ظهور خاینان، ارتکاب اعمال ضد ملی، عقد قرار داد های مخفی و یا علنی با استعمار و متجاوزین خارجی و کشتار و ویرانگری هر چند گاهی تکرار می شوند. خاینان تازه نفس جای خاینان گذشته و معدوم را می گیرند و بعضاً اعمال سلف خاین را تکرار می نمایند. در تاریخ پر از مشقت افغانستان چنین حالات کم نیست. بالاخص در جریان بیش از ۳۴ سال تاریخ خونبار کشور، چهره های سیاه و ضد بشری افراد خاین به کشور از عقب پرده بیرون شده است. درین جا، می خواهم که دو خیانت نزدیک به وقوع را که به ارتباط تشکیل حکومت های موازی در شمال است، مورد تبصره قرار دهم.

در زمان حاکمیت نجیب الله آخرین رئیس جمهور دولت دست نشاندۀ شوروی در افغانستان، چند بار سعی به عمل آمد تا یک حکومت موازی را در شمال افغانستان تأسیس نموده و این کشور را مانند ویتنام و کوریا به شمال و جنوب تقسیم نمایند. هدف شوروی در آغاز این بود که در صورت شکست کابل در مقابل یورش نیروی های جهادی متکی به غرب، نظام شکست خورده خلقی به شمال کشور پناه برده و یک حکومت موازی را در شمال افغانستان پایه گذاری نماید. داکتر حسن شرق، صدراعظم آن وقت در رساله خود به نام "تجویز تجزیۀ افغانستان به شمال و جنوب" که قبلاً در سایت های مختلف به نشر رسیده، به تفصیل ازین جریان خاینانه صحبت کرده است. با وجودی که حامیان نجیب او را در توطئه تجزیۀ افغانستان به شمال و جنوب گنهکار نمی دانند، اما به ارتباط فرمان داکتر نجیب در مورد تقرر یک ستمی به اسم نجیب الله مسیر، یکی از دشمنان تمامیت ارضی افغانستان، به حیث صدراعظم ۹ ولایت، دلیل و یا دلایلی ارائه نداده اند. این توطئه ضد ملی بعداً در ولسی جرگه آن وقت به شکست مواجه شد. علی رغم حاکمیت نظام مزدور "خلقی"، مردم شریف و میهن دوست هم در آن عصر و زمان وجود داشتند که توانستند طرح های ضد مردمی و ضد ملی دولت دست نشاندۀ مسکو را خنثی نمایند و یا به عقب اندازند. خطرناک تر از همه، همکاری مشترک احمد شاه مسعود با گوربچف بود که اگر شوروی بقاء می کرد، افغانستان را طور حتمی به شمال و جنوب تقسیم می نمود و مسعود را حاکم بلامنازع شمال کشور می ساخت. درین جا از داکتر حسن شرق نقل قول می نمایم:

**گورباچف در ضمن صحبت درباره ختم جنگ و تشکیل حکومت مورد قبول مردم بعد از خروج عساکر شوروی گفت: تا رسیدن موافقه با دیگر مخالفین، اگر حکومت شما بنا به درخواست احمد شاه مسعود به يك خودمختاری ساحه وسیعتری از پنجشیر در سمت شمال با وی همکاری و موافقه نمایند، "او جنگ را کنار می گذارد و با ما همکاری می کند". خواهش گورباچف که در جملات دوستانه و دلسوزانه جهت ختم جنگ و برادرکشی در افغانستان لافافه شده بود، نمایانگر آن بود که رهبر شوروی از لغو حکومت شمال در افغانستان ناخشنود اند.**

این سخنان داکتر حسن شرق نماینگر توطئه و خیانت عظیمی بود که هنوز دنباله دارد و پایان نیافته است. اخلاف احمد شاه هنوز هم از جدائی شمال و جنوب افغانستان حرف می زنند و تهدیدات خود را وقتاً فوقتاً تازه می نمایند. هم میهنان ما به حرف های گورباچف به ارتباط احمد شاه مسعود دقت نمایند: **"او جنگ را کنار می گذارد و با ما همکاری می کند"** توضیح دهنده خدمت گزاری عمیق احمد شاه مسعود به شوروی و وعده های مسکو به او بود که روزی حاکم به سرنوشت افغانستان و یا حد اقل سمت شمال می شد.

تاریخ همین حالا ثابت می سازد که سعی به ارتکاب همچو خیانت بار دیگر تکرار می گردد. در جریان "انتخابات" ریاست جمهوری دولت مستعمراتی کابل، گروه شورای نظار بار ها اخطار داده است که اگر عبدالله شورای نظاری برنده نشود، حکومت موازی را در شمال افغانستان تأسیس خواهند کرد و در نهایت یک کشور مستقل را اعلام خواهند نمود. سیر "انتخابات" تصنعی و ضد مردمی در افغانستان خصوصاً در دور دوم طبق مراد عبدالله شورای نظاری و حامیانش نبود. عبدالله و گروهش ادعا دارند که در دور دوم تقلبات به پیمانۀ وسیعی به نفع اشرف غنی احمد زی صورت گرفته و ازینرو حاضر به پذیرش نتایج "انتخاباتی" نیستند. عبدالله کاملاً مطمئن بود که استعمار او را اینبار در اریکه قدرت قرار می دهد، اما خلاف توقع وی قرعه به نام اشرف غنی احمد زی اصابت نمود. این حالت، عبدالله و سایر شورای نظاریان را در یک تقابل جدی با گروه نو ظهور غنی احمد زی قرار داده و فضای سیاسی افغانستان را به سوی قوم گرایی و نژاد پرستی کشانیده است. عطاء محمد نور والی مطلق العنان ولایت بلخ با مشوره عبدالله پیوسته اخطار می دهد که در صورت عدم رسیدن عبدالله عبدالله به موفقیت یعنی دسترسی به کرسی ریاست جمهوری دولت مستعمراتی کابل، خودش و گروه مافیائی شورای نظار طغیان خواهند کرد و در نهایت "حکومت موازی" را در مزارشریف تشکیل خواهند داد. این همان مفکوره ضد ملی احمد شاه مسعود بود که پیروان و اخلاف صدیق و راستینش آرزومندی تطبیق طرح گذشته رهبر خود با گورباچف را دارند.

این تهدیدات عطاء فرد مسؤول و نطاق عبدالله در امور خلق ترس و وحشت، آنقدر پیش رفت که سفیر امریکا در کابل، او را به مرکز احضار کرد و دساتیر لازم را برایش داد. بدون تردید که امریکا هیچ زمانی آرامش کامل را در افغانستان نمی خواهد، زیرا موجودیت قوای اشغالگرش زیر سؤال می رود. برای امریکا، باید افغانستان نارام بوده و فاقد یک قوی مرکزی باشد تا حضور قوای اشغالگر به حق جلوه نماید. برای احمق ها و افراد فروخته شده این بهترین وضع سیاسی خواهد بود. امریکا با سرمایه گذاری که بر شورای نظار و جمعیت اسلامی کرده است، آرزو ندارد این گروه های به درد بخور استخباراتی را در صحنه سیاسی افغانستان از دست بدهد. امریکا و سایر کشور های مداخله گر در افغانستان می توانند از این مردم غیر شرافتمند در مواقع مختلف مستفید شوند و انجام اعمال ضد بشری و کشتار و ویرانگری را به اینها محول کنند.

به یقین میتوانم اظهار نمایم که مردم و توده های عظیم و مبارز کشور توطئه های اجانب و عمال شان را در تقسیم و تجزیه افغانستان مانند گذشته عقیم ساخته و درفش آزادی، استقلال و وحدت ملی را بر افراشته نگه می دارند. بی تفاوت بودن و خاموش نشستن در قبال خیانت های خاینان ملی، خیانت بزرگ ملی محسوب می شود.